



نقش امام حسن عسکری (ع) در آماده سازی شیعه برای عصر غیبت / مبارزه امام با فرقه های انحرافی

هشتم ربیع الثانی در تقویم شیعیان بزرگداشت ولادت امامی است که نام گرامی او یادآور نام فرزند برومندش امام مهدی حضرت صاحب الزمان (عج) است...

نقش امام حسن عسکری (ع) در آماده سازی شیعه برای عصر غیبت / مبارزه امام با فرقه های انحرافی
خبرگزاری مهر-هشتم ربیع الثانی در تقویم شیعیان بزرگداشت ولادت امامی است که نام گرامی او یادآور نام فرزند برومندش امام مهدی حضرت صاحب الزمان (عج) است؛ امامی که با تمهید و زمینه سازی روحی و عقیدتی، شیعیان را برای رود به دوران غیبت آماده کرد. امام یازدهم شیعیان «حسن بن علی« نام دارد و کنیه ایشان «ابومحمد« و لقبش زکی و عسکری است. ایشان در 8 ربیع الثانی سال 232 هجری در مدینه به دنیا آمد و در جمعه هشتم ربیع الاول سال 260 در سن 28 سالگی به شهادت رسید و در سامرا به خاک سپرده شد.

خلفای عباسی برای اینکه امامان معصوم (ع) را تحت نظر بگیرند و بر فعالیت های فکری و سیاسی آنان احاطه داشته باشند، آنان را از مدینه منوره (که مرکز علم و دین بود) به بغداد و سامراء و خراسان (که پایتخت های دستگاه حاکمه بود) فرامی خواندند. به همین جهت امام حسن عسکری (ع) تقریباً تمام عمر را یا در زندان و یا در تبعید به سر برد. حضرت 2 ساله بود که به همراه پدرش به تبعیدگاه رفت و مدت 20 سال همراه با آن حضرت در تبعید بود. به همین دلیل اصحاب نمی توانستند خدمت ایشان برسند اما امام حسن عسکری (ع) با ایجاد تشکیلات سری، پیروان خود را سازماندهی کرد.

ایجاد شبکه ارتباطی وکالت برای ارتباط با شیعیان

فشار حکومت غاصب عباسی بر شیعیان به ویژه بر رهبر آنان امام حسن عسکری (ع) به قدری در این دوره شدت گرفته بود که امام را ناگزیر کردند هر هفته در دربار حاضر شود. یکی از شیعیان نقل می کند در یکی از روزهایی که قرار بود امام (ع) به دارالخلافه برود. ما در نقطه ای به انتظار دیدار وی جمع شدیم، در این حال توقیعی از طرف آن حضرت بدین مضمون به ما رسید: «کسی بر من سلام و حتی اشاره هم به طرف من نکند، زیرا که در امان نیستید«. این روایت به خوبی نشان می دهد که امام (ع) و شیعیان تا چه حد تحت نظر و کنترل دستگاه خلافت بوده اند، و امام (ع) نیز با رعایت تقیه جان خویش و شیعیان را حفظ می کرده است.

خلفای عباسی به همین کنترل شدید بسنده نکرده بلکه امام را بازداشت کردند و در محله «عسکری« محله «سامراء« که یک منطقه نظامی بود، در تبعید نگهداشتند، به همین جهت حضرت به «عسکری« معروف شدند. اما با وجود همه این تدابیر شدید امنیتی که حکومت عباسی ترتیب داده بود از آنجا که امر الهی قطعاً تحقق می یابد، امام حسن عسکری (ع) با ایجاد شبکه وکالت، ارتباط خود را با شیعیان حفظ کرده و در عین حال آنان را برای دوران غیبت فرزند گرامی اش حضرت مهدی موعود (عج) آماده کرد.

در زمان امام حسن عسکری (ع) شیعیان در مناطق مختلف و شهرهای متعددی زندگی می کردند و این گستردگی و پراکندگی مراکز تجمع شیعیان، مستلزم وجود سازمان ارتباطی منظمی بود تا پیوند شیعیان را با حوزه امامت از یک سو، و ارتباط آنان را با همدیگر از سوی دیگر برقرار سازد. این نیاز از زمان امام نهم حضرت امام جواد (ع) احساس می شد و به همین جهت شبکه ارتباطی وکالت و نصب نمایندگان در مناطق گوناگون، به منظور برقراری چنین سیستمی مورد اجرا گذاشته شد که تا زمان امام عسکری (ع) نیز ادامه پیدا کرد.

امام حسن عسکری (ع) نمایندگان از میان چهره های شاخص و شخصیت های برجسته شیعیان برگزید و در مناطق متعدد منصوب کرد و از این طریق با پیروان خویش در ارتباط بود. امام از طریق اعزام پیک ها نیز با شیعیان و پیروان خود ارتباط برقرار می ساخت و از این راه مشکلات آنان را برطرف می کرد. به عنوان نمونه می توان از فعالیت های «ابوالآربان« یکی از نزدیکترین یاران امام یاد کرد، او نامه ها و پیام های امام را به پیروان آن حضرت می رساند، و متقابلاً نامه ها، سؤال ها، مشکلات و وجوه ارسالی شیعیان را در سامراء به محضر امام می رساند.

مبارزه امام حسن عسکری (ع) علیه فرقه های مختلف انحرافی

در دوران امام یازدهم، یعنی نیمه اول قرن سوم هجری، فرقه ها و مذاهب مختلفی در درون جامعه اسلامی شکل گرفته بود. عالمان این مذاهب درصدد گسترش عقاید باطل و انحرافی خویش بودند. امام حسن عسکری (ع) علاوه بر مبارزات سیاسی که عمدتاً به

صورت پنهان و در قالب سیستم پنهانی وکالت دنبال می‌شد، با این فرقه‌های منحرف نیز برخورد داشت، انحرافات آنها را بیان می‌کرد و شیعیان را از افتادن در دام آنان نجات می‌داد. از جمله این فرقه‌های انحرافی غالیان، صوفیان، مفوضه، واقفیه، معتزله، ثنویه و جاعلان حدیث بودند.

از سال 240 و بعد از دوره معتصم عباسی یک جریان ضد معتزله و ضد عقلانیت پدید آمد که از متوکل عباسی شروع شد. متوکل عباسی قشری‌ترین خلیفه بنی عباس بود و از نظر تفکری، نهضت #171؛احمد حنبل»؛ که حدیث گرا بود را تأیید می‌کرد. متوکل با اینکه خود فردی فاسق بود خیلی ظاهرگرا بود و علیه عقلانیت معتزله که در زمان مأمون و معتصم حاکم بود اقداماتی کرد که نتیجه آن ظاهرگرایی، یکی ظهور مذهب #171؛حنبلیه»؛ و بعدها در قرن چهارم نیز باعث ظهور #171؛اشاعره»؛ شد که حدیث گرا و قائل به جبر بودند.

بر خلاف معتزله و شیعه که عقلانی بودند و نسبت به حکومت وقت معترض بودند اشاعره چنین نبودند و حکومت وقت را مورد پذیرش قرار می‌دادند. بر این اساس بود که در زمان متوکل عباسی هم رهبران معتزله زندانی بودند و هم رهبران شیعه. این عوامل سبب شد تا شرایط خفقان اجتماعی پدید بیاید. نتیجه این شرایط اجتماعی نوعی مخفی گرایی بود که امامان شیعه از جمله امام حسن عسکری (ع) اعمال می‌کردند.

امام حسن عسکری بیش از 28 سال عمر نکرد ولی در مدت 6 سال امامت و ریاست روحانی اسلامی آثار مهمی از تفسیر قرآن و نشر احکام و بیان مسائل فقهی و جهت دادن به حرکت انقلابی شیعیانی که از راههای دور برای کسب فیض به محضر امام می رسیدند بر جای گذاشت .

شهادت امام حسن عسکری (ع)

شهادت آن حضرت را روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال 260 هجری نوشته اند. در شرح چگونگی شهادت آن امام بزرگوار آمده است : فرزند عبيدالله بن خاقان گوید روزی برای پدرم (که وزیر معتمد عباسی بود) خبر آوردند که امام حسن عسکری رنجور شده، پدرم به سرعت خبر را به خلیفه رساند. خلیفه پنج نفر از معتمدان و مخصوصان خود را با او همراه کرد .

یکی از ایشان #171؛نحریر»؛ خادم از محرمان خاص خلیفه بود، امر کرد که ایشان پیوسته ملازم خانه آن حضرت بوده و بر احوال آن حضرت نظارت داشته باشند. یک طبیب را مقرر کرد هر بامداد و پسرین نزد آن حضرت رفته و از احوال او آگاه شود. بعد از دو روز برای پدرم خبر آوردند که مرض آن حضرت سخت و ضعف بر او مستولی شده است. پس بامداد نزد آن حضرت رفت و اطبا را امر کرد که از خدمت آن حضرت دور نشوند و قاضی القضاة را طلبید و گفت ده نفر از علمای مشهور را حاضر گردان که پیوسته نزد آن حضرت باشند.

این کارها را برای آن می کردند تا آن زهری که به آن حضرت داده بودند بر مردم معلوم نشود و نزد مردم وانمود کنند که آن حضرت به مرگ طبیعی از دنیا رفته است، بعد از گذشت چند روز از ماه ربیع الاول سال 260 هجری قمری آن حضرت در سن 28 سالگی به سرای باقی شتافت .

بعد از آن خلیفه خطر فرزند امام حسن عسکری را احساس و درپی یافتن وی برآمد زیرا شنیده بود فرزند آن حضرت بر عالم مستولی شده و اهل باطل را منقرض خواهد کرد، این تفحص ها دو سال ادامه داشت.

این جستجوها نتیجه هراسی بود که معتصم عباسی و خلفای قبل و بعد از او از طریق روایات مورد اعتمادی که به حضرت رسول الله(ص) می پیوست شنیده بودند که از نرگس خاتون و حضرت امام حسن عسکری (ع) فرزندی پاک‌گهر ملقب به #171؛مهدی»؛ آخر الزمان»؛ همنام با رسول اکرم (ص) ولادت خواهد یافت و تخت ستمگران را واژگون و به سلطه و سلطنت آنها خاتمه خواهد داد . بدین جهت به بهانه های مختلف در خانه حضرت عسکری (ع) رفت و آمد بسیار می کردند تا از آن فرزند گرامی اثری بیابند و او را از بین ببرند .

ماجرای جانشین بر حق امام عسکری (ع)

ابوالادیان از اصحاب امام حسن عسکری می گوید : من خدمت حضرت امام حسن عسکری (ع) می کردم . نامه های آن حضرت را به شهرها می بردم . در روزهای آخر زندگی روزی امام من را طلب فرمود و چند نامه نوشت تا آنها را برسانم . سپس امام فرمود : پس از 15 روز باز داخل سامره خواهی شد و صدای گریه و شیون از خانه من خواهی شنید ، در آن موقع مشغول غسل دادن من خواهند بود .

ابوالادیان به امام عرض می کند: ای سید من ، هرگاه این واقعه دردناک روی دهد امامت با کیست ؟ فرمود : هر که جواب نامه من را از تو طلب کند .

ابوالادیان می گوید : دوباره پرسیدم علامت دیگری به من بفرما . امام فرمود : هرکه بر من نماز گزارد .

ابوالادیان می گوید : باز هم علامت دیگری بگو تا بدانم . امام می گوید : هر که بگوید که در همیان چه چیز است او امام شماس است .

ابوالادیان می گوید : مهابت و شکوه امام باعث شد نتوانم چیز دیگری بپرسم . رفتم و نامه ها را رساندم و پس از 15 روز برگشتم . وقتی به در خانه امام رسیدم صدای شیون و گریه از خانه امام بلند بود. داخل خانه امام ، جعفر کذاب برادر امام را دیدم که نشسته، شیعیان به او تسلیت می دهند و به امامت او تهنیت می گویند. من از این بابت بسیار تعجب کردم پیش رفتم و تعزیت و تهنیت گفتم. اما او جوابی نداد و هیچ سؤالی نکرد.

چون بدن مطهر امام را کفن کرده و آماده نماز گزاردن بود خادمی آمد و جعفر کذاب را دعوت کرد که بر برادر خود نماز بخواند. چون جعفر به نماز ایستاد طفلی گندمگون و پیچیده موی و گشاده دندان مانند پاره ماه بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و گفت : ای عمو عقب بایست که من به نماز سزاوارترم .

رنگ جعفر دگرگون شد. عقب ایستاد. سپس آن طفل پیش آمد و بر پدر نماز گزارد و امام را کنار امام علی النقی (ع) دفن کردند. در این موقع عده ای شیعه از شهر قم رسیدند، چون از وفات امام با خبر شدند مردم به جعفر اشاره کردند . چند تن از مردم نزد جعفر رفتند و از او پرسیدند : بگو نامه هایی که داریم از چه جماعتی است و مالها چه مقدار است؟ جعفر گفت : ببینید مردم از من علم غیب می خواهند ! در آن حال خادمی از جانب حضرت صاحب الامر ظاهر شد و از قول امام گفت : ای مردم قم با شما نامه هایی است از فلان و فلان و همیانی (کیسه ای) که در آن هزار اشرفی است که در آن ده اشرفی است با روکش طلا .

شیعیانی که از قم آمده بودند گفتند : هر کس تو را فرستاده است امام زمان است ، این نامه ها و همیان را به او تسلیم کن .

جعفر کذاب نزد معتمد خلیفه آمد و جریان واقعه را نقل کرد . معتمد گفت: بروید و در خانه امام حسن عسکری (ع) جستجو کنید و کودک را پیدا کنید . رفتند و از کودک اثری نیافتند ...